

# کی جی بی در افغانستان

نوشتہ واسیلی متروخین، بایگان ارشد کی جی بی

برگرداننده به دری: داکتر حمید سیماب



## قسمت پنجم

شب 13 بر 14 سپتمبر در محل سکونت تره کی با آرامش گذشت. تره کی و امین در اتاق خصوصی رئیس شورای انقلابی تا ساعت یک پس از نیمه شب به وقت محلی با هم نشسته بودند. به گفته جانداد قوماندان گارد خانه خلق، امین سپس به محل رهائش خود رفت. جانداد گفت که حالت احضارات گارد خانه خلق که محل اقامت تره کی را پاسداری می کرد در بامداد 14 سپتمبر رفع گردید، اما پس از تاریخ 13 سپتمبر به افراد مسلح اجازه داده نمی شد داخل شهر گردند. تره کی و امین هریک ذریعہ واحد های تقویہ شدہ نگهبانان شخصی شان محافظت می شدند.

وزرایی که از 7:30 شام تا 11:55 شب 13 سپتمبر را در سفارت شوروی گذشتاندند آن شب به منازل خود رفتند، آنگونه که تره کی توصیه کرده بود، بلکه شب را در خانه های مخفی گذشتاندند. چنانکه حوادث شب 13 بر 14 سپتمبر نشان داد، نامہ رهبری شوروی عنوانی تره کی و امین که بدست پوزانوف، پافلوفسکی و ایوانوف برایشان رسانیده شده بود، نقش مهمی در آشتی آنها داشت. شرایطی که این دوتن روی آن توافق کردند تا کنون دانسته نشده است، اما می توان گفت که امین از دست یازیدن به اعمال افراطی اجتناب کرد چون معتقد بود که جانب شوروی از هیچ اقدامی که وضع رهبری افغانستان را وخیم تر سازد و خلاف وحدت ح.د.خ.ا. باشد پشتیبانی نخواهد کرد. بگفته جانداد: «دیدار رفقای شوروی از تره کی و امین در کاهش تشنج بین دو رهبر کمک کرد.»

بساعت 12:40 روز 13 سپتمبر ایوانوف و بوگدانوف به درخواست امین بدیدنش به ساختمان وزارت دفاع رفتند. قرار اظهار صدراعظم، امین و تره کی بساعت 1:30 بعد از ظهر روز 13 سپتمبر از طریق تلفون وضع رهبری افغانستان را مورد بحث قرار دادند. امین پافشاری داشت که وزرای شامل در توطئه و فعالیت های فراکسیونی ضد حزبی از مقام های شان برکنار ساخته شوند. تره کی با این کار مخالف بود و پیشنهاد کرد که وطنجار بحیث وزیر دفاع و مزدوریار بحیث وزیر داخله تعیین گردند. امین این پیشنهاد را رد کرد و گویا خواستار تشکیل پلنوم کمیته مرکزی یا جلسه اضطراری شورای انقلابی شد. تره کی اظهار داشت که او قصد ندارد این ارگان ها را فرا خواند بلکه با صلاحیت هایی که دارد اقدام خواهد کرد. وی امین را به سرپیچی از دستور متهم ساخت و تهدید کرد که او را از همه مناصبش بر کنار خواهد ساخت. امین اطلاع یافت که سروری و دیگران به سفارت شوروی پناه برده بودند بنابراین در شامگاه 13 سپتمبر به محل اقامت تره کی رفت. تره کی از طریق ترون رئیس دفتر شورای انقلابی به وطنجار تلفون کرد و چیزی برایش گفت. سپس امین تلفون را گرفته به وطنجار گفت: «چرا گریختی؟ پنهان شده یی؟ و تو خود را قهرمان انقلاب هم می خوانی!» وطنجار در جواب گفت که هر چار تن شان گفتگو میان تره کی و امین را که بساعت 1:30 بعد از ظهر آنروز صورت گرفته بود سرپیچی صدراعظم از اطاعت صدر ح.د.خ.ا. تلقی کرده و زندگی خودها را در خطر می دیدند.

امین و تره کی سراسر آن شب تا ساعت 1:00 بعد از نیمه شب (صبح 14 سپتمبر) روی وضع موجود بحث کردند و کوشیدند راه مدارا بیابند. تره کی اظهار آمادگی کرد که سروری و گلاب زوی را بر کنار سازد اما روی تفرری های جدید برای وطنجار و مزدوریار اصرار می کرد. آنها روی اینکه چه کسی رئیس آگسا تعیین شود با هم مناقشه داشتند. تره کی عزیز اکبری رئیس بخش ضد جاسوسی را پیش می کشید و امین ترون را می خواست. در صبحگاه 14 سپتمبر امین مدت زیادی در حضور ایوانوف و بوگدانوف از طریق تلفون با تره کی صحبت کرده پافشاری داشت که هر چار تنی که به توظئه علیه او متهم بودند سبکدوش ساخته شوند. تره کی روی گمارش دو تن آنها پا فشرده امین را به نافرمانی متهم ساخت و او را بدفتر خود احضار کرد. امین به ایوانوف و بوگدانوف اظهار داشت که تره کی خواسته است تا او (امین) بدون سلاح و نگهبان نزد وی برود و او ازین دستور چنین استنباط می کرد که خطر جدی او را تهدید می کند. امین از ایوانوف و بوگدانوف طالب مشوره شد که چه کند؟

او طرح های ذیل را جهت غور و سنجش آنها پیش کشید:

اگر به اقامتگاه تره کی برود کشته خواهد شد. او گفت که اگر رفقای شوروی فکر می کنند که نفع و خیر انقلاب با اقدام او تأمین شده می تواند وی آماده است از همه مقام های خود استعفی داده کشور را ترک کند، در واقع به اتحاد شوروی برود یا حتی خود کشی کند. راه دیگر اینست که تره کی را در محل اقامتش منزوی نگهدارد و با مشوره رفقای شوروی گام های بیشتری در جهت نورمال سازی وضع بردارد و در طول این مدت از نام تره کی او امر و هدایات صادر کند.

امین اصرار داشت که وی در برابر اتحاد شوروی و حزب کمونیست آن جان فشان و پاکباز است و آماده خواهد بود هر آنچه رفقای شوروی بخواهند انجام دهد. وی از پوزانوف، پافلوفسکی، ایوانوف و بوگدانوف خواست تا این سه<sup>1</sup> طرح او را مورد مطالعه قرار دهند، با ماسکو مشوره کنند و تا ساعت 5:00 بعد از ظهر روز 14 سپتمبر یعنی 3:30 بعد از ظهر به وقت ماسکو برایش پاسخ دهند. امین حالی ساخت که وی در صورتی با تره کی آشتی خواهد کرد که رئیس شورای انقلابی (تره کی) تمام شرایطش را بدون چون و چرا بپذیرد.

پوزانوف، پافلوفسکی، ایوانوف، گوریلوف و بوگدانوف از جانب خود پیشنهاد کردند امین کوشش کند وضعیت رهبری افغانستان را نورمال ساخته بر پایه نامه رهبری شوروی و شخص برژنف از خرابتر شدن وضع جلوگیری کند.

ساعت 5:20 روز 14 سپتمبر تلگرام ذیل از جانب نماینده مقیم کی جی بی در کابل به ماسکو رسید: «بر اساس معلوماتی که عزیز اکبری رئیس آگسا به ما داده است، صبح روز 14 سپتمبر حفیظ الله امین صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان به وی (عزیز اکبری) امر کرد تا بحیث رئیس سرپرست آگسا اشغال وظیفه کند. اکبری سپس به دستور صدراعظم به دیدن اسدالله امین معین وزارت خارجه رفت تا در ارتباط کار جدید خود هدایات بیشتر بگیرد. وی در مدخل وزارت امور خارجه معروض تلاشی دقیق قرار گرفت و خلع سلاح گردید. اسدالله امین که خویشاوند نزدیک<sup>2</sup> حفیظ الله امین است از عزیز اکبری خواست تا به وظیفه خود پرداخته و بدون اجازه از ساختمان آگسا بیرون نرود. در جواب این سوال که آیا اجازه دارد با رفقای شوروی ببیند، اسدالله امین اظهار داشت که باید این کار را بکند. اسدالله امین برایش گفت که دارو دسته وطنجار - گلاب زوی توظئه بی راه انداخته و دست به دهشت افگنی زده اعضای صدیق ح.د.خ.ا. را ناگزیر ساختند به اقدامات قاطع دست زنند.

اسدالله امین، فقیر محمد فقیر معین وزارت داخله و اشخاص دیگری که با حفیظ الله امین روابط نزدیک داشتند از مقر وزارت امور خارجه با ولایات ارتباط مخابراتی برقرار نموده به والی ها اوامر و هدایات صادر می کردند.

عزیز اکبری همچنین تاکید کرد که چنانچه اقدامات عاجل و قاطع برای مهار کردن امین اتخاذ نگردد قتل عام عده بی از اعضای ح.د.خ.ا. و تغییر و تبدیل اعضا و کارمندان ارگان های ویژه افغانی<sup>3</sup> محتمل خواهد بود.

کارکنان سیاسی و فرماندهان قوای مرکز، لوا های 4 و 5 زره دار و غند 190 توپچی به امر امین دستگیر و افراد وفادار به امین بجای آنها تعیین گردیده بودند.

<sup>1</sup> کذا فی الاصل - برگرداننده

<sup>2</sup> براندرزاده - برگرداننده

<sup>3</sup> منظور دستگاه امنیتی و استخباراتی کشور است - برگرداننده

پوزانوف، پافلوفسکی، ایوانوف و گوریلوف بروز 15 سپتمبر تلگرامی در مورد وضع در کابل به دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی فرستادند. «در شامگاه 14 سپتمبر صحبتی با حفیظ الله امین داشتیم که دو و نیم ساعت دوام کرد. گفتگو دقیقاً بر پایه اعلامیه رهبری شوروی، دفتر سیاسی و ل.ا. برژنف انجام یافت. امین با بیانات گزنده برضد تره کی سخن گفت و او را متهم ساخت که در اوقات مختلف، بخصوص صبح روزی که وی (امین) بخاطر ملاقات با او (تره کی) و با ما (شوروی ها) به خانه خلق رفت، به سو قصد برجان وی کوشیده است چنانکه هنگام بالارفتن از زینه ها بسوی دفتر تره کی، نگهبان شخصی تره کی ترون سر یاور رئیس شورای انقلابی و بادی گارد حفیظ الله امین را که صدراعظم را مشایعت می کردند کشتند.»

«در واقع تا زمانی که ملاقات با حفیظ الله امین راه افتاد کودتا به انجام رسیده بود. شام همان روز تعیینات جدید اعلام شد. امین اظهار داشت که تره کی باید در جلسه پلینوم کمیته مرکزی داوطلبانه از مقام منشی عمومی حزب بنابر دلایل صحیح کناره گیری کند ولی می تواند بحیث رئیس شورای انقلابی باقی بماند. ما علیه برکنارسازی تره کی مصممانه موضعگیری کردیم اما امین روی پیشنهاد خود پافشاری کرد و گفت که حزب و اردو خون ریختانده شده بدست گروه وزرای فراری و سو قصد های راه انداخته شده توسط تره کی را نخواهند بخشید.»

«امین اظهار داشت که فردا، 15 سپتمبر، تظاهراتی در سراسر کشور علیه تره کی سازمان داده خواهد شد و افسران اردو فریاد انتقام بالا خواهند کرد. ما با وجود اصرار و استدلال موجه نتوانستیم حفیظ الله امین را متقاعد سازیم که بگذارد تره کی منشی عمومی کمیته مرکزی باقی بماند. امین به ما حالی کرد که اگر تره کی داوطلبانه از مقام منشی عمومی استعفی دهد در انصورت وی (حفیظ الله امین) عزت، مصئونیت و موقف او منحبث رئیس شورای انقلابی را تضمین خواهد کرد. ما اصرار کردیم که نباید هیچگونه تظاهرات یا دستگیری هایی که وضع را وخیم تر سازد راه اندازی گردد و امین موافقه کرد که عجلتاً این کار را نخواهد کرد. قرار گذاشتیم که صبح 15 سپتمبر صحبت های خود را دامه دهیم.»

به ساعت 9:00 وقت محلی صبح 15 سپتمبر، عزیز اکبری رئیس جدید اگسا بوگدانوف را برای ملاقاتی عاجل به دفتر خود خواست و نکات ذیل را به شکل محرمانه به اطلاع وی رسانید: حفیظ الله امین منشی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و صدراعظم کشور در واقع بروز های 13 و 14 سپتمبر کودتایی را علیه تره کی به سر رسانده و سرانجام رهبری کشور، حزب، نیرو های مسلح و ارگان های امنیتی را بدست خود متمرکز ساخت. نورمحمد تره کی منشی عمومی حزب و رئیس شورای انقلابی ذریعه سربازان گارد خانه خلق تحت فرماندهی جانداد که قرار معلوم از افراد حفیظ الله امین بود، در منزلش تحت توقیف قرار داده شده بود.

در طول شب 14 بر 15 سپتمبر همه ارتباطات تلفونی و مخابراتی تره کی با بیرون قطع گردید. پیشتر از آن در بعد از ظهر 14 سپتمبر تره کی به اکبری گفته بود: «من تجرید شده ام و از انجام هرگونه عملی ناتوانم. فقط مداخله اتحاد شوروی می تواند مرا نجات دهد اما رفقای شوروی یقیناً مرا نجات خواهند داد چون از عکس العمل ایالات متحده خوف دارند. من به حزب و مردم وفادار بوده ام. اگر باز ترا دیده نتوانم، خداحافظ، فرزندم.»

عکس العمل ماسکو سریع بود. کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی قطعنامه شماره پ 168/6 تاریخی 15 سپتمبر 1979 به پوزانوف، پافلوفسکی، ایوانوف و گوریلوف هدایت داد تا با مین دیدار کرده و نظر اتحاد شوروی را به وی ابلاغ و با تأکید مشوره دهند که هیچگونه اقدام سرکوبگرانه علیه تره کی، خویشاوندان و طرفدارانش نباید روی دست گرفته شود و خودش نباید محکوم گردد.

پلنوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. بروز 16 سپتمبر دائر گردید. تره کی از مقامش منحبث منشی عمومی حزب برکنار ساخته شده و حفیظ الله امین بجایش تعیین گردید. پلنوم در اتاقی در کنار دفتر مشاورین نظامی شوروی در عمارت وزارت دفاع دایر گردید. شاه ولی بمجرد ختم پلینوم به دفتر پافلوفسکی و گوریلوف رفته و به آنها اطلاع داد که تره کی از همه پست ها و مقاماتش برکنار گردیده و امین بجایش بحیث منشی عمومی حزب انتخاب گردیده بود. مصوبات پلینوم در حالیکه 26 عضو از جمله 31 عضو کمیته مرکزی حاضر بودند با اتفاق آرا صورت گرفته بود.

سپس امین خودش به دیدن پافلوفسکی آمد و اعلام داشت که بحیث منشی عمومی حزب انتخاب گردیده است. او گفت که بساعت 3:00 بعد از ظهر جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان دایر خواهد گردید و در آن او بحیث رئیس عالیترین ارگان دولتی کشور انتخاب خواهد گردید.

وزیر جدید امور خارجه شاه ولی بروز 16 سپتمبر سفیر کبیر پوزانوف را احضار و رسماً به او اطلاع داد که قطعنامه بی در جلسه پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. به تصویب رسید که بر اساس آن تره کی از مقام منشی عمومی برکنار ساخته شده و عضویتش در دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب خاتمه داده شد و به اضافه جنایات دیگر «بخاطر فعالیت های تروریستی، قتل شش تن و اقدام به قتل حفیظ اله امین» از حزب اخراج گردید. شاه ولی به پوزانوف رسماً اطلاع داد که امین منشی عمومی حزب انتخاب گردید.

این حوادث تحت عنوان «وقایع روز 19 سپتمبر» در دفترچه یادداشت پوزانوف نیز درج اند. باید اذعان داشت که این یادداشت در بجنوبه حوادث به رشته تحریر در نیامده اند بلکه با بازاندیشی در روزهای پسین، در ماه اکتوبر، از نام سفیر بدست ریوریکوف<sup>4</sup> سکرتر اول سفارت که نقش ترجمان را نیز داشت در دفترچه یادداشت گردیده است:

«بروز 13 سپتمبر 1979 سفیر شوروی پوزانوف، ا.گ. پافلوفسکی، ب.س. ایوانوف و ل.ک. گوریلوف به پیروی از هدایت مرکز برای دیدن تره کی به محل اقامتش رفتند. تره کی به خواست ما از امین نیز دعوت کرد به ما بپیوندند. نمایندگان شوروی گفتند که رهبری شوروی امیدوار بود رهبران افغانستان در برابر انقلاب از خود احساس بزرگ مسئولیت نشان دهند و صفوف خود را فشرده ساخته از موضع یکپارچگی و بگونه باهمی عمل نمایند. تره کی از آنها اظهار سپاس کرد و گفت: «پیام شما گرچه مختصر ولی بموقع، پرمحتوی و همه جانبه است. ما طرفدار یکپارچگی هستیم اما گاه گاه مسائلی بروز می کنند که باید حل گردند.»

امین گفت: «تره کی رهبر شناخته شده است و وی (حفیظ الله امین) افتخار پیروی از او را دارد... و اگر او، یعنی امین، پیش از تره کی جان سپارد با این آگهی به پیشواز مرگ خواهد رفت که وظیفه خود را ایفا نموده است و اگر تره کی از خدمت وطن درماند در انصورت وی (حفیظ الله امین) بمنابۀ شاگرد وفادار تره کی هر آنچه در توان دارد بخرچ خواهد داد تا کار استاد خود را ادامه دهد.»

بروز 14 سپتمبر همه باز هم با تره کی در محل بود و باشش در خانه خلق دیدار کردیم. ما گفتیم که وضعیت باز هم رو به وخامت رفته و ایجاب یکپارچگی رهبری در حزب و دولت را می کند. تره کی از ل.ا. برژنف و رهبران دیگر شوروی بخاطر نگرانی شان در ارتباط سرنوشت انقلاب افغانستان تشکر کرد ولی از ناسازگاری نظرش با نظر امین یاد آورد.

«من مدت ها پیش متوجه شدم که امین به تمرکز قدرت بدست خویش گرایش دارد ولی به آن اهمیتی نمی دادم. اما این گرایش درین اواخر گونه خطرناکی بخود گرفته است. امین توان پذیرش انتقاد را ندارد. هرکسی را که او را انتقاد کند مورد ضربه قرار می دهد و حتی تا حد قتل پیش می رود. وی در ارتباط نقش خود در رهبری انقلاب و به پیروزی رساندن آن مبالغه می کند، شخصیت خود را می ستاید و تبلیغ می کند. در درون دولت چنان فضایی را بوجود آورده است که وزیران بیم دارند خلاف سخنش سخن گویند و آزادانه حرف زنند. امین در همه جا، چه در حزب و چه در دولت، مقام ها و مناصب را به خویشاوندان خود داده است تا جایی که برادرزاده اش، اسد الله امین، نه مقام در بخش های مختلف حزب و دولت را در اشغال دارد. یک خانواده بر همه کشور حکمرانی می کند، درست مانند زمان ظاهر شاه و داؤد. [...] یک رهبر واقعی برای رهبری حزب نیاز است، نه یک فرد سوته بدست.» تره کی چنین ادامه داد: «من قبل از عزیمت جانب هاوانا شک های خود را داشتم. امین خیلی اصرار داشت که بروم و تأکید می کرد که رئیس دولت باید به کنفرانس برود. من شک و تردیدهای خود را نادیده گرفتم و به هاوانا رفتم اما امین از رفتن با من سر باز زد. وقتی از هاوانا برگشتم سروری رئیس آگسا بیدرنگ برایم اطلاع داد که امین سه دسیسه را راه انداخته بود و هر سه بار توطئه ها بخاطری خنثی گردیدند که وی (سروری) در مورد آنها به امین گفت. امین درک می کرد که موضوع افشا شده بود بنابراین به افراد خود هدایت می داد تا فعالیت های توطئه گرانه خود را توقف دهند. با این هم، امین به جلسه شورای وزیران گزارش داد که وضع آرام و همه چیز رو براه است، اما پس از جلسه نزد من آمد و درخواست کرد تا چار وزیر - وطنجار، سید محمد گلاب زوی، شیر جان مزدور یار و سروری رئیس آگسا - دستگیر شوند و یا بیدرنگ بنام سفیر به بیرون از کشور فرستاده شوند. من قاطعانه مخالفت کردم و باز هم خواهان آشتی و مدارا شدم. دیروز 13 سپتمبر، امین باز هم درخواست خود را تکرار کرد. لحن گفتگوی ما تند بود. من برایش گفتم که سرکوب رفقای خود را اجازه نخواهم داد. برایش گفتم که وی وزیران را ناگزیر ساخته است تا از بیم پیگرد و سرکوب افرادش پنهان گردند. همه شواهد دال

برآنست که توطئه را امین پیریزی کرده است. در برابر این گفته ام که امین باید از اوامر من اطاعت کند چون من سرقوماندان اعلاى قواى مسلح و رئیس شورای انقلابی هستم، امین نیشخندی زده و گفت که اشتباه می‌کنم چون او یعنی امین فرماندهی ارتش را بدست دارد. در واقع امین قوماندان نظامی را بدست خویش گرفته است. وی به کمک افرادش در کمیته حزبی شهر کابل تدابیر اضافی گرفته است تا کنترل عام و تام بر شهر برقرار سازد. در چنین وضعی نمی‌توان امکان برخورد آشکار را رد کرد. اما من همچنان حاضریم با امین کار کنم به شرطی که وی از سیاست‌های سرکوب‌گرانه خود دست بردارد.»

ما (شوروی‌ها) از جانب خود اظهار نظر کردیم که بهتر خواهد بود از حفیظ الله امین خواسته شود تا مانند دیروز در صحبت شرکت کند. تره کی بیدرنگ پذیرفت و به امین تلفون کرد تا از او دعوت کند. امین گفت که به سرو چشم خواهد آمد. در جریان اینکه منتظر امین بودیم رفیق ایوانوف اظهار داشت که آوازه‌های مصری وجود دارند که امر کشتن امین بمجرد ظاهر گردیدن در خانه خلق داده شده است. تره کی گفت که این سخن حقیقت ندارد. چند لحظه بعد صدای شلیک ماشیندار خفیف در بیرون دروازه دفتر تره کی شنیده شد. رفیق گوریلوف به پنجره رفت و امین را در کنار دیوار محوطه در حال دویدن دید. نگهبان شخصی تره کی به داخل آمد و گزارش داد که امین و دیگران تازه بر پلکان پا نهاده بودند تا بالا آیند. سید داؤد ترون سریاور رئیس شورای انقلابی (که از طرفداران امین بود) و وزیر<sup>5</sup> یاور امین در پیشاپیش قرار داشتند. بر اساس گفته نگهبان شخصی، ترون به نگهبانان گفت که آنها رخصتند چون به آنها دیگر ضرورتی نیست. نگهبانان گفتند که آنها نخواهند رفت. درین اثنا ترون بالای یکی از نگهبانان تیر انداخت و فوراً از طرف آنها کشته شد. یاور دیگر امین وزیر زخمی گردید.

تره کی به امین زنگ زد و برایش گفت که آنچه واقع شده بود نتیجه سؤ تفاهم بین نگهبانان بود ولی پس از آنکه گوشی را بر جایش گذاشت به ما گفت که این یک عمل تحریک آمیز بود.

پیشنهاد گردید که با در نظر داشت وضع باید بیدرنگ به دیدن امین برویم. تره کی موافقت کرد. از دفتر تره کی به امین زنگ زدیم و گفتیم که ما هر چار تن<sup>6</sup> می‌خواهیم او را فوراً ببینیم. امین گفت که منتظر ما خواهد بود و با کمال خورسندی ما را خواهد پذیرفت. در مقابل زینه یک ماشیندار خفیف روی زمین افتاده بود. محافظی بچشم نمی‌خوردند. وقتی به پایین زینه رسیدیم جسد ترون را دیدیم که بر زمین افتاده بود. چندین مرمی به سر و سینه اش اصابت کرده بود. راننده سفیر شوروی که در کنار موتر در نزدیک مدخل محوطه ایستاد بود به ما گفت که پیش از رسیدن موتر امین ترون نزدش آمده و احوالپرسی کرده بود. بمجرد رسیدن امین هر دو با چار یا پنج نفر نگهبان به درون محوطه رفتند تا نزد تره کی بروند. چند لحظه بعد آواز شلیک شنیده شد. امین و نگهبانان که یکی از آنها زخم برداشته بود به بیرون دویده داخل موترها شدند و از آنجا راهی گردیدند. نگهبانانی که در بیرون بودند هیچ فیری نکرده بودند.»

#### سجل گفتگو با امین، صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان، تاریخی 14 سپتمبر 1979

به تعقیب دیدار با تره کی و تیر اندازی که صورت گرفت بلافاصله به دیدن امین در ساختمان وزارت دفاع شتافتیم و مراتب تأثر عمیق خود را در ارتباط با حادثه سوگ انگیز خانه خلق و همدردی عمیق خود را بمناسبت مرگ ترون که او را بمثابة دوست راستین اتحاد شوروی می‌شناختیم ابراز داشتیم. درین لحظه تک شلیک تانک از همان نزدیکی بگوش رسید. امین مضطرب و آشفته حال بود ولی به گرمی از ما استقبال کرد. بخاطر زنگ های بی وقفه تلفون که دم به دم می‌رسیدند ناممکن بود صحبت کنیم، بدین سبب قرار گذاشتیم دو ونیم ساعت بعد یعنی بساعت 7:30 شام با هم ببینیم.

ما سرساعت معینه رسیدیم. امین بما در مورد حادثه خانه خلق گفت: «صبح امروز تره کی از من دعوت کرد تا نزدش بروم، اما بدون محافظ شخصی ام. من نپذیرفتم. سپس امروز بعد از ظهر باز زنگ زد و مرا به صحبت دعوت کرد و گفت که رفقای شوروی همراهش هستند. من بمعیت شش نگهبان به سواری دو موتر به خانه خلق رفتم. دوتن از محافظین در مدخل محل رهاپش تره کی باقی ماندند و باقی با من یکجا وارد دالانی شدند که حوض شنا در آن واقع است و سپس بسوی زینه رفتیم. ترون در پیشاپیش گام بر می‌داشت و من و یاورم وزیر پشت سرش بودیم. وقتی ترون به پاگردان پیش از آخرین پلکان زینه رسید رگبار گلوله شلیک شد. من بصورت خم

<sup>5</sup> نام یاور امین «وزیر» بود - برگرداننده

<sup>6</sup> یعنی پوزانوف، پافوفسکی، ایوانوف و گوریلوف - برگرداننده

درحالیکه خود را نزدیک به دیوار نگه می داشتیم پایین به دالان و از آنجا به بیرون دویدیم. سپس برگشتم تا با محافظینم کمک کنم وزیر را که زخمی شده بود بیرون کشیم. موترم گویی بصورت عمدی چالان نمی شد بنابراین به موتر دیگر سوتر شدیم و به وزارت دفاع آمدم. من یقین دارم که هدف شان من بودم. می خواستند مرا بکشند. پیش ازین هم اضافه از صد فیر بالایم صورت گرفته است. حال شما خود دیده می توانید تره کی چه می خواست. من می دانستم که سوقصدی بر جان من طرحریزی شده بود و حتی زمانی که تره کی از هاوانا برگشت در میدان هوایی انتظار سوقصد را داشتم. امروز تره کی می خواست مرا بکشد. او یقیناً نمی خواست این کار در حضور رفقای شوروی انجام گیرد اما مثلی که فراموش کرده بود امر داده شده را فسخ کند، بدین سبب افراشد شروع به تیر اندازی کردند.»

ادامه دارد ....

#### سخنی با خواننده

### پروژه اكمال و ویرایش سند «کی جی بی در افغانستان»

خوانندگان ارجمندی که بخش های پیشین این سلسله را از نظر گذشتانده اند شاید متوجه شده باشند که برخی عدم دقت ها در محتوی و شیوه بیان این رساله وجود دارد که تا آنجا که ایجاب می کرد و در توان اینجانب بود در پاورقی ها به آنها اشاره شده است. این رساله در اصل بشکل دستنویس بزبان روسی نوشته شده است. شرایط پر از اضطراب و دلهره بی که در تحت آن اسناد محرم بایگانی کی جی بی پنهانی استنساخ و برون کشیده می شدند از بی دقتی ها در املائی نام ها و عدم مراعات نقطه گذاری که در زبان های اروپایی با دقت و وسواس مراعات می شود، آشکار است. پس ازینکه متروخین با اسناد برون آورده شده از کی جی بی به غرب آمد حجم گفتنی ها و افشا کردنی های مختلف بیشتر از آن بود که بتواند وقت و دقت لازم را برای ویرایش نوشته ها و پژوهش فاکت های یک رساله دستنویس بخرچ دهد.

تا جایی که معلوم است این رساله هنوز بزبان اصلی روسی نشر نشده و همانگونه که درپیشگفتار بخش اول این ترجمه دری آمده، برای نخستین بار در سال ۲۰۰۲ توسط «پروژه تاریخ بین المللی جنگ سرد» مربوط «مرکز بین المللی وودرو ویلسن برای دانشمندان» بزبان انگلیسی به نشر رسید. نسخه انگلیسی این رساله گویا معروض ویرایش قرار گرفته است اما کسانی که نسخه نشر شده انگلیسی را مطالعه کرده اند با خواهند کرد گواهی خواهند داد که ویرایش انجام یافته ناقص و پر از کاستی هاست و کمترتلاش صورت گرفته تا نوشته مطابق با معیارهای پذیرفته شده ویرایش مسلکی در غرب ارائه گردد. (املائی نادرست و ناهمگون نام ها، عدم مراعات دقیق نقطه گذاری بخصوص هنگام نقل قول، از هم گسیخته بودن جملات و پراگراف ها و سلیس نبودن بیان). شاید هم این «عدم دقت» در واقع بخاطر بازتاب دهی دقیق اصل روسی بوده باشد.

اینجانب و اکثر خوانندگان این رساله مربوط نسلی هستیم که شاهد عینی وقایع شرح شده درین نوشته بوده ایم و با نامها و شهرت اشخاص ذکر شده و حوادثی که آفریدند تا حد زیادی آشنایی داریم و مستقیماً متأثر از درامه های تاریخی ننگینی هستیم که شرح جریانات پشت پرده آنها درین رساله و در نوشته های بیشمار دیگر آمده است. ولی ما نسلی هستیم که بسوی شامگاه زندگی خودها روانیم و به یقین که خوانندگان جوانتر و آیندگان آن بوی آشنای خاطرات ناگوار این حوادث را که ما استنمام می کنیم نخواهند شنید، بنابراین لازم است توضیحات پاورقی و معرفی اشخاص و حوادث ذکر شده درین رساله هرچه همه جانبه تر و افشاگرتر باشد، که درین امر خود را محتاج مددکاری و همکاری خوانندگان ارجمندی دانم.

درین راستا از خوانندگان با درد این سلسله تقاضا میکنم که در صورتی که در مورد اشخاصی معلومات داشته باشند که

- درین رساله نام گرفته شده اند ولی معرفی دقیق نگردیده اند با تذکار آن به آدرس پیک برقی [kgbdariproject@yahoo.ca](mailto:kgbdariproject@yahoo.ca) در اكمال و بیشتر مؤثقی ساختن این سند که پس از پایان نشر انترنتی بشکل نسخه چاپی انتشار خواهد یافت سهم حقیقت پویانه بگیرند. معلومات ارسالی آنها بنام خودشان در پاورقی ذکر خواهد شد.
- جاسوس نام گرفته شده در دوران وحشت و خیانت ۷ ثوری چه مقام و منصبی داشت؟
  - شخص مذکور اکنون در کجا زندگی می کند؟ اگر فوت نموده چه وقت و در کجا چشم از جهان پوشیده است؟
  - «پیک تصویر گاهی کار هزار کلمه را می دهد». اگر عکسی از اشخاص ذکر شده درین رساله (چه ایجننت های کی جی بی و چه قربانیان جنایات شان) سراغ داشته باشید با فرستادن یا دادن نشانی آن بر همه خوانندگان منت بگذارید.
  - معلومات بیشتر پیرامون کارنامه شخص مورد نظر

سپاس من و همه خوانندگان به آنانی که درین راستا سهم می گیرند از پیش تقدیم باد. (برگرداننده)